

تات‌های قفقاز یا پارسی‌زبان‌های جمهوری آذربایجان

نویسنده: مجید کریمی



انتشارات آردون

سرشناسه	: کریمی، مجید، ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور	: تات‌های قفقاز یا پارسی‌زبان‌های جمهوری آذربایجان / نویسنده: مجید کریمی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۳۱۴ ص.
شابک	: ۶-۷۰۶-۲۳۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: تات‌ها- جغرافیای انسانی- آذربایجان (جمهوری)
موضوع	: Tats – Human geography – Azarbaijan (Repubhic)
رده‌بندی کنگره	: DSR ۷۲
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۹۷۹۷
شماره کتابخانه ملی	: ۵۷۵۴۵۳۹



تات‌های قفقاز یا پارسی‌زبان‌های جمهوری آذربایجان

مؤلف: مجید کریمی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ صدف: ۱۱۰۰ نسخه

تومان ۷۵۰۰۰

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱-۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arannashr.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل نخست: ریشه‌های تاریخی - قومی تات‌های جمهوری آذربایجان	۱۱
ریشه زبانی تات‌های جمهوری آذربایجان	۱۱
ریشه قومی پارسیان جمهوری آذربایجان	۲۱
سیر تاریخی پیدایش واژه تات	۳۲
واژه تات و معانی آن از دید تات‌شناسان	۳۶
حوزه تاریخی و جغرافیایی شروان و پیوستگی با تات‌ها	۴۰
حوزه تاریخی و جغرافیایی اران و پیوستگی با تات‌ها	۴۹
محدوده آران کجاست؟	۵۶
پیوند تاریخی و جغرافیایی سرزمین شروان و آران با تات‌های قفقاز	۶۵
سیر تحول زبانی و قومی تات‌های جمهوری آذربایجان	۶۹
فصل دوم: شرایط اجتماعی - اقتصادی تات‌ها در جمهوری آذربایجان	۷۹
پراکندگی جغرافیایی تات‌ها در جمهوری آذربایجان	۷۹
آبشوران مرکز تات‌های جمهوری آذربایجان	۸۸
بررسی آماری جمعیت تات‌های جمهوری آذربایجان و علت پراکندگی تات‌ها	۹۸
هویت آذربایجانی و مشکل سرشماری گروه‌های قومی (تات‌ها)	۱۰۳
بررسی جمعیت آماری تات‌ها در شهرستان‌های جمهوری آذربایجان	۱۱۷
زندگی روستایی - شهری و تأمین معاش تات‌ها در جمهوری آذربایجان	۱۳۳
منابع درآمد تات‌ها (توان اقتصادی)	۱۳۶
فصل سوم: مذهب و فرهنگ تات‌های جمهوری آذربایجان	۱۴۱
مذهب در جمهوری آذربایجان	۱۴۱
گروه‌های اصلی دینی تات زبان در جمهوری آذربایجان	۱۴۳

- الف - پراکنش تات‌های مسلمان (شیعه) در جمهوری آذربایجان ۱۴۳
- ب- پراکنش تات‌های یهودی در جمهوری آذربایجان ۱۴۷
- ج - پراکنش تات‌های مسیحی یا ارمنی‌های پارسی‌زبان ۱۵۲
- باورهای مذهبی تات‌های شیعه جمهوری آذربایجان ۱۶۱
- آیین‌ها و آداب و رسوم فرهنگی تات‌ها ۱۶۳
- روستای لاهیج بررسی نمونه‌ای از فرهنگ و هنر ایرانی ۱۶۵
- زبان تاتی در خطر از بین رفتن ۱۷۲
- سیاست همسان‌سازی زبانی در جمهوری آذربایجان ۱۸۲
- وضعیت فرهنگی و هویت زبانی تات‌های جمهوری آذربایجان ۱۸۵
- فصل چهارم: شرایط سیاسی تات‌های جمهوری آذربایجان** ۱۹۷
- جنبش‌های سیاسی در جمهوری آذربایجان و مشارکت تات‌زبان‌ها ۱۹۷
- نقض حقوق بشر اقلیت‌ها و واکنش سازمان‌های بین‌المللی ۱۹۹
- پیوستگی هویت تاتی و هویت شیعی در جمهوری آذربایجان ۲۰۴
- جنبش اسلامی در جمهوری آذربایجان و نقش تات‌ها در آن ۲۲۰
- الف- نارداران و قیام ناردارانی‌ها ۲۲۰
- نارداران کانون مذهبی تات‌ها و شیعیان جمهوری آذربایجان ۲۲۲
- نارداران مرکز شیعه محافظه‌کار در قفقاز جنوبی ۲۲۷
- آغاز جنبش نارداران ۲۲۹
- شیخ طالع باقرزاده کیست؟ ۲۳۱
- فعالیت احزاب اسلامی نارداران ۲۳۴
- ب- قیام قوبا ۲۳۶
- اعتراضات شهر اسماعیل‌لی در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۳ ۲۴۳
- شیخ محسن صمداف رهبر حزب اسلام آذربایجان ۲۴۴
- ج- ناآرامی‌های گنجه ۲۴۷
- تحركات سیاسی در شروان ۲۵۳
- دورنمای موجودیت تات‌های جمهوری آذربایجان و عوامل پایداری و ماندگاری قومی ۲۵۴
- تصاویر** ۲۵۷
- منابع و مأخذ** ۲۸۹

مقدمه

پژوهش کنونی پیرامون تات‌ها یا ایرانی‌های جمهوری آذربایجان است. جمهوری آذربایجان کشوری است که از سال ۱۹۱۸ میلادی در جغرافیای تاریخی منطقه شروان و اران تشکیل گردید. این جمهوری دست‌کم مرکب از ۱۵ گروه قومی گوناگونی است که طی چند هزار سال در کنار هم زیسته‌اند و از هم تأثیر گرفته و با هم تعامل داشته‌اند. در میان گروه‌های قومی و زبانی، رده اقوام ایرانی وجود دارد که عمدتاً شامل گروه مشخص زبانی تالشی‌ها، تات‌ها و کردها است. تات‌ها یا پارسی‌زبان‌های قفقاز جنوبی که موضوع پژوهش تر پیش روست از جمله گروه‌هایی هستند که عمدتاً در مرکز جمهوری آذربایجان یعنی از نیم جزیره آبشوران و باکو گرفته و تا غرب آن در شماخی و امتداد آن تا بخش‌های شمال شرقی این کشور در قوبا زندگی می‌کنند. (تصویر شماره ۱)

تات‌ها یا ایرانی‌های قفقاز و یا پارس‌ها (فارس) اقوامی هستند که اسناد و مدارک تاریخی حکایت از حضور دست‌کم ۲۵۰۰ ساله آنها در شمال ارس دارد. منطقه‌ای که اکنون جمهوری آذربایجان می‌نامند. تات‌ها یا پارس‌زبان‌ها و یا ایرانی تبارها سرنوشت پرفراز و نشیبی را در این پهنه جغرافیایی داشته‌اند و برای مدت طولانی سیاست، حکومت، فرهنگ و هنر این سامان را رقم زده‌اند. آخرین نمونه آن حکومت هزار ساله شروانشاهان است که هم ایرانی شدند و هم ایران‌دوست بوده‌اند. ایرانی‌های شروان به تدریج با برافتادن دودمان شروانشاهان و سپس جدا شدن از ایران در عهدنامه ترکمان‌چای در سال ۱۸۲۸ فرجام خوبی نداشته‌اند و اکنون این گروه قومی و زبانی به گونه جزایر پراکنده و دور از هم به حال خود رها شده است.

پس از معاهده ترکمان‌چای در سال ۱۸۲۸ میلادی با روسیه تزاری شوربختانه از ارتباط فرهنگی و سیاسی تات‌های شروان با سرزمین مادری خود یعنی ایران کاسته شد و این کمترین ارتباط تاریخی نیز در دوران جمهوری سوسیالیستی اتحاد جماهیر

شوروی کاملاً قطع گردید و آنها از سرزمین مادری و پیوستگی‌های خود با ایران دور ماندند. تات‌ها در جمهوری آذربایجان نیز در این دوران هیچ متولی فرهنگی و سیاسی نداشتند و سخت‌ترین دوره‌های تاریخی را از نظر هویتی سپری کرده‌اند. تات‌ها به دلیل سیاست‌های ۷۰ ساله سوسیالیست‌های باکو و اینک ملی‌گرایان سکولار در حال آسیب‌پذیر شدن و یا فاصله گرفتن از هویت ایرانی خود هستند به گونه‌ای که زبان تاتی قفقاز جنوبی در شمار گروه زبان‌های در خطر نابودی جهان قرار گرفته است.

با وجود باز شدن مرزها و برقراری روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان کار علمی مستقل ایرانی بر روی پارسی‌ها و تات‌های جمهوری آذربایجان به جز چند کار کوچک انجام نگرفته است و همین نیز انگیزه نگارنده از کار بر روی تات‌های جمهوری آذربایجان شده است. در این زمینه منابع ایرانی بیشتر وابسته به منابع جدیدتر مطالعات خارجی است. بیشتر مطالعات یا وابسته به منابع تاریخی غربی و به‌ویژه روسی است و یا در دوره پس از استقلال مربوط به مطالعات جدیدتر پژوهشگران اروپایی و آمریکایی است.

با اینکه این قوم تاریخی در همسایگی ایران و در کانون ژئوپلیتیک بسیار با اهمیت جمهوری آذربایجان قرار دارد و پیوندهای تاریخی، زبانی و دینی مشترکی با جامعه ایرانی دارد تحقیقات بر سر آنها در کشورمان با فقدان و یا کمبود منابع علمی روبه‌روست. حال آنکه با شتاب گرفتن تحولات سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال جمهوری آذربایجان، در دو حوزه مطالعات سیاست خارجی و مطالعات تشیع سیاسی در ایران کارهای پرشمار و ارزنده‌ای انجام شده است. مطالعات حوزه قفقاز پیرامون مسائل جاری سیاست خارجی و یا مباحث استراتژیک قفقاز جنوبی و یا در چارچوب روابط خارجی ۲۷ سال گذشته فعال‌تر و گسترده‌تر شده است و آثار ارزشمندی نیز در این زمینه به چاپ رسیده است. در حوزه مطالعات تشیع سیاسی بیشتر تحقیقات بر وجه تاریخ تشیع و به‌ویژه تحولات شیعی در رویدادهای مربوط به جنبش شیعیان جمهوری آذربایجان در دو دهه گذشته متمرکز بوده است.

از این‌رو شناخت تات‌های قفقاز جنوبی در جمهوری آذربایجان از ضرورت‌های کار علمی و پژوهشی و مطالعات ایران‌شناسی است تا بتواند همسو با دو حوزه مطالعات سیاست خارجی و مطالعات تشیع سیاسی بستر و زمینه مناسب احیای پیوندهای دیرینه و همبستگی و دوستی با این اقوام را تقویت کند. نگارنده این‌ت‌را با حضور در قفقاز و ارمنستان و مطالعه بر روی پارسی‌زبان‌های جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۷ میلادی

به این نتیجه رسید که مطالعات ایرانی در این زمینه با کاستی‌های فراوانی روبه‌روست و نیازمند کاری است که بتواند خلاء علمی کنونی را پر کند و بتواند تازه‌ترین اطلاعات مربوط به این گروه ایرانی را در جمهوری آذربایجان گرد آورد. از این‌رو تصمیم گرفتم که این موضوع را عنوان تز کارشناسی ارشد خود قرار دهم.

هدف و مسئله اصلی در این پژوهش آن است که ریشه تاریخی، قومی و زبانی و علت نامگذاری تات‌ها چیست؟ ایرانی‌ها که در این پژوهش ما آنها را تات می‌نامیم چه قومی هستند و چه حضوری در این حوزه تاریخی داشته‌اند و سیر تکوینی تاریخی آنها چگونه بوده است؟ این پژوهش نگاهی به این روند دارد و پاسخی به چیستی و هستی تات‌های جمهوری آذربایجان می‌دهد. درباره رابطه شروان و اران (آلبانیای قفقاز) با ایران و ایران تباران توضیح داده می‌شود و این رابطه تبیین شده است.

همچنین در پژوهش دو مسئله فرعی مد نظر بوده است. نخست آنکه پراکنش جمعیتی تات‌های جمهوری آذربایجان در کجاها است و چه تغییرات جمعیتی در میان ایرانی تبارها در جغرافیای قفقاز جنوبی رخ داده است. سرانجام اینکه وضعیت آنها در سه وجه زبانی، اجتماعی و سیاسی چیست. در طرح مسائل فرعی پاسخ به این پرسش داده می‌شود که از چه رو زبان ایرانی (تات‌ها) در این حوزه جغرافیایی جای خود را به مرور به زبان ترکی و روسی داده است. یکی از مسائل فرعی تز، موضوع پویش سیاسی تات‌ها و پیوندهای دینی آن با جنبش شیعی در جمهوری آذربایجان است که در فصل چهارم کتاب، زمینه‌های آن بررسی شده است و توضیح داده می‌شود که چه رابطه‌ای میان تات‌ها و جنبش شیعی دو دهه گذشته جمهوری آذربایجان وجود دارد.

پیشینه پژوهش درباره تات‌ها به دو گروه دسته‌بندی می‌شود. گروه نخست درباره زبان و ادبیات تاتی (شامل تات‌ها در ایران و تات‌ها در قفقاز جنوبی به محوریت جمهوری آذربایجان) و اساساً مسائل زبان‌شناسی است. گروه دوم درباره تاریخ قومی و زبانی و اوضاع و احوال زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی آنها است. گروه دوم بیشتر مد نظر نگارنده در انجام این تز بوده است. در این میان پویش سیاسی تات‌ها در جمهوری آذربایجان کمتر شناخته شده است و اذعان می‌دارم که منابع نیز در این زمینه بسیار محدود و ناکافی است.

منابع تات‌ها و سوابق پژوهش درباره تات‌های قفقاز بیشتر مربوط به کارهای نویسندگان روسی و اروپایی در سده بیستم است. در عین حال در حوزه پژوهش‌های مرتبط (مستقیم و یا غیر مستقیم) با موضوع تات‌های قفقاز، روس‌ها پیشگام هستند.

مطالعات ولادیمیر مینورسکی (ایران‌شناس و زبان‌شناس روسی) و همچنین تاریخ شروان و دربند وی شرح خوبی از حضور اقوام ایرانی در قفقاز جنوبی دارد. آلکساندر لئونویچ گرونبرگ (ایران‌شناس و زبان‌شناس روسی)، و.ف. میلر (پدر) و بوریس میلر پسرش (زبان‌شناس و تات‌شناس روسی) در حوزه تات‌شناسی مطالعات بسیار خوبی انجام داده‌اند. یوزف میخائیلویچ آرانسکی (زبان‌شناس و تات‌شناس روسی) از جمله متخصصان حوزه تات‌ها و زبان‌های ایرانی است. کتاب زبان‌های ایرانی وی (فقه اللغة ایرانی) از منابع اصلی مطالعه در این حوزه به شمار می‌رود. کتاب تاریخ مادهای ای. ام. دیاکونف (ایران‌شناس روسی) در حوزه اقوام ایرانی، بیش از همه مورد توجه و از کارهای ارزشمند این حوزه است. از جمله محققان دیگر روس که درباره تات‌ها نیز مطالعاتی دارند می‌توان به: و. سوکولوا، ه. ی. آشمارین؛ و. ب. توماشفسکی؛ و. آریمان؛ ا. حق‌وردی‌اف، پ. کژوزه؛ و. فبریوزین نیز اشاره داشت.

کتاب یوزف مارکوارت آلمانی به‌نام ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی اثری بی‌مانند است و در زمینه بررسی اقوام قفقاز نیز بسیار مهم است. او شهرهای ایران را به‌خوبی ترسیم کرده است و متخصص جغرافیای باستانی ایران بود. والتر برونو هنینگ (ایران‌شناس و زبان‌شناس آلمانی) متخصص زبان‌های باستانی ایران است. جان. اف. کلیفتن زبان‌شناس و تات و تالش‌شناس آمریکایی است که در یکی دو دهه گذشته چند مقاله و کارهای تازه در این زمینه منتشر کرده است. جیمز میناهان تات‌شناس (تات‌های یهودی) در آمریکا نیز چند مقاله علمی منتشر کرده است. الکساندر اودیو زبان‌شناس و قوم‌شناس و متخصص اقوام قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان است. نتایج پژوهش‌های وی نیز حاوی اطلاعات تازه‌ای است. خانم اودری آلتشتات آمریکایی روی مسئله اقوام و مسائل سیاسی روز قومی در قفقاز و اوراسیا تحقیقات تازه داشته است.

دونالد استیلو کارشناس زبان‌های ایرانی به‌ویژه تاتی (وفسی) آمریکایی است. او استاد برجسته تات‌شناسی و متخصص در زبان تاتی است. جیلان اوسیر فرانسوی متخصص زبان‌های قفقاز و استاد در دانشکده مطالعات قفقاز سوربن پاریس است بر روی زبان تاتی آذربایجان و تاتی آبشورانی کار کرده است. پیر لکوک زبان‌شناس فرانسوی نیز روی زبان‌های میانه ایران کار کرده است. کلیفرد ادموند باسورث ایران‌شناس انگلیسی در زمینه غزنویان و سلجوقیان و حضور اقوام مهاجر ترکمن در قفقاز اطلاعات خوبی در اختیار ما می‌گذارد. اریک بازیروف (روسی - انگلیسی) درباره اقلیت‌های ایرانی قفقاز در

دانشگاه لندن (مدرسه مطالعات شرقی- آفریقایی) نیز پژوهشی انجام داده است. فرناندو گارسز دیلوس فایوس روی تغییرات جمعیتی و قومی آذربایجان کار کرده است. مایکل زند (تاجیکی تبار) استاد دانشگاه هبرو ایران‌شناس نیز تحقیقات خوبی به‌ویژه در حوزه تات‌های یهودی دارد.

همچنین در این پژوهش نگارنده از تحقیقات دانشمندان و مورخان جمهوری آذربایجان و منابع ترکی آذربایجانی از جمله آثار: محمد مجنون اوغلو علی‌اف تات‌شناس برجسته اهل جمهوری آذربایجان استفاده کرده است. او خود تات است و کتاب تات‌های آذربایجان را در باکو منتشر کرده است. اثر ارزشمند دیگر کار تات‌شناس بزرگ جمهوری آذربایجان مقصود حاجی‌اف است که به‌نام "زبان تاتی آذربایجان" در باکو به چاپ رسید. مقصود حاجی‌اف تات‌شناس خود نیز تات است. گلسوم حسینوا تات‌شناس و زبان‌شناس آذربایجانی و عضو هیأت علمی، کتاب ارزنده‌ای را اخیراً منتشر کرده است که به‌نام "واژگان زبان تاتی" است. عباس قلی باکیخانف مورخ و نویسنده کتاب گلستان ارم نیز درباره تات‌ها و پراکندگی آنها اطلاعات خوبی در سده نوزدهم دارد. اقرار علی‌اف زبان‌شناس و مورخ برجسته آذربایجانی نیز درباره ریشه زبان‌ها تخصص دارد و کتاب تاریخ آذربایجان وی بسیار با اهمیت است. در این پژوهش از آثار سولماز رستم‌اف شرق‌شناس و مورخ، علی آقا ممداف قوم‌شناس و تاریخ‌نگار، علی‌اکبر علی‌اکبراف مورخ، توفیق محمداف مورخ، تیمور بنیاداف مورخ و مردم‌شناس، علی آقا ممدلی مورخ، گولر عباسوا پژوهشگر تات نیز استفاده شده است. فاروق سومر مورخ ترکیه‌ای نیز تحقیق خوبی درباره نحوه ترک زبان شدن تات‌های جمهوری آذربایجان دارد که در رساله ۱۸ صفحه‌ای خود با عنوان «نگاهی عمومی به تاریخ ترک زبان شدن آذربایجان» منتشر کرده است.

از آثار ایرانی درباره تات‌های قفقاز جنوبی نیز می‌توان به تحقیقات شادروان احمد کسروی اشاره کرد. او زبان پهلوی و ارمنی را هم می‌دانست و درباره اقوام ایرانی اران و آلبانیا و تات‌ها نخستین مطالعات علمی را خود منتشر کرد. یحیی ذکاء درباره تات‌های قفقاز آثار و مقالات و سخنرانی‌های علمی ارزشمندی دارد. احسان یارشاطر زبان‌شناس و تات‌شناس نیز درباره ریشه زبان تاتی و تاریخ آن از جمله سرآمدان تات‌شناسی علمی ایرانی است. عنایت‌الله رضا نیز با دو اثر آذربایجان و اران و همچنین اران از دوران باستان کارهای قبلی را تکمیل کرده است و اطلاعات بسیار خوبی درباره تات‌های جمهوری آذربایجان برای محققان بعدی برجای گذاشته است. عباس جوادی نیز کتاب

تاریخ تحول زبان آذربایجان را منتشر کرده است که حاوی نکات تازه‌تری درباره تات‌ها و تغییرات زبانی در شروان و اران است. گروهی دیگر از ایرانی‌ها از جمله حبیب برجیان، پرویز ورجاوند، علی اشرف صادقی، کاوه فرخ درباره تات‌های قفقاز مقاله‌هایی منتشر کرده‌اند. از سوی دیگر در موضوع مهاجران ایرانی به قفقاز (باکو و آیشوران) از نیمه دوم سده نوزدهم، نظام‌علی دهنوی و نصرالله پورمحمدی املشی نیز تحقیقاتی داشته‌اند. از میان محققان پر کار متأخر باید به کارهای علی عبدلی محقق تالش و تات‌شناس نیز اشاره کرد که در این زمینه کتاب تات‌های قفقاز وی کار ارزنده‌ای است.

از آثار و منابع دوره اسلامی نیز باید به کتاب حدودالعالم، کتاب دیوان لغات ترک محمود کاشغری، مروج‌الذهب مسعودی، کتاب **صورة الارض** ابن حوقل، **نزهة القلوب** حمدالله مستوفی مورخ و جغرافی‌نویس اشاره کرد. کتاب عالم‌آرای عباسی اسکندر بیگ درباره مهاجرت اقوام ترکمن و ایلات قزلباش و تغییرات جمعیتی در مناطق شمالی ایران در دوره سلجوقی بسیار ارزشمند است. کتاب یاقوت حموی با نام معجم‌البلدان درباره شهرها و جغرافیای سده هفتم هجری و پراکندگی ترکان شرح مبسوطی دارد.

در پایان لازم می‌دانم که از پروفیسور دکتر وارطان وسکانیان رئیس محترم دپارتمان ایران‌شناسی دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان به‌عنوان استاد مشاور تز و اعضای محترم دپارتمان و به‌ویژه از دکتر آرتیوم تونویان استاد راهنما که در این مدت در زمینه نوشتن تز نظرات سازنده و مهمی داشتند کمال سپاس و قدردانی را داشته باشم.

مجید کریمی

اردیبهشت ۱۳۹۸

ایروان - ارمنستان

فصل نخست

ریشه‌های تاریخی - قومی تات‌های جمهوری آذربایجان

ریشه زبانی تات‌های جمهوری آذربایجان

تاتی در پایه نامی است که طی یک هزار سال گذشته به پارسی‌ها در حوزه گسترده‌ای از ایران تاریخی گفته می‌شود. این حوزه اکنون هم در ایران و هم در جمهوری آذربایجان پراکنده است و ساکنانی دارد که هویت فرهنگی و زبانی خود را تا حدودی نگه داشته‌اند. ایرانیان شمال رود ارس و قفقاز جنوبی^۱ از زمانی که ولایات هفده گانه قفقاز در سال‌های ۱۸۱۳ (۱۱۹۲ش) در عهدنامه گلستان و سرانجام در سال ۱۸۲۸ (۱۲۰۶) در قرارداد ننگین ترکمان‌چای به‌وسیله روسیه تزاری از ایران جدا شد؛ مسیر دیگری را در تاریخ جدا افتاده خود از ایران تا جنگ جهانی نخست طی کرده‌اند. جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷) شکل گرفت و سپس در سال ۱۹۲۰ به اتحاد جماهیر شوروی الحاق شد. این جمهوری به تدریج سیاست ملی‌گرایی ترکی و همسان‌سازی فرهنگی را علیه سایر اقوام بومی به‌ویژه ایرانی آغاز کرد. دولت باکو اقلیت پارسی‌زبان این جمهوری را تات معرفی می‌کند. زبانشان را نیز تات می‌نامد. کوشش دولت بر آن است که کمتر از نسبت تاتی با پارسی و ایرانی استفاده شود. اما تات‌ها از نظر زبانی و نژادی خود را پارسی و ایرانی می‌دانند و برای معرفی خود ترجیحاً از واژه تات استفاده می‌کنند.

^۱ - زبان تاتی در بخشی از جمهوری روسیه کنونی یعنی داغستان از جمله شهرهای کاتیاگو، طبس‌ران و یهودیان کوهستانی در شهرهای دربند یا باب‌الابواب، مهاج قلعه، بویناکسک، مجالس، ممراج و خانزئال قلعه و همچنین در شهر گروزنی سخنورانی دارد.

زبان‌شناسان و ایران‌شناسان به گونه‌ای که خواهد آمد تاتی را از ریشه زبانی هند و اروپایی خوانده‌اند. تاتی را «زبانی ایرانی» و همچنین «تاتی قفقاز» نیز می‌نامند. پارسی‌های شمال ارس گویش خود را فارسی و یهودیان نیز «تاتی زبون»^۱ می‌خوانند. دیاکونوف^۲ معتقد است که تات‌ها به لهجه‌هایی سخن می‌گفته‌اند که خود از بقایای زبان هند و اروپایی می‌باشد که در آغاز زبان مادی خاوری بوده است (دیاکونوف ۱۳۴۷، ۱۲۳). این زبان را نیز از جمله زبان‌های آرانی و یا پارسی نیز شمرده‌اند. گویش‌شان از گویش تاکستانی در ایران متفاوت است. زبان تاتی را جزو زبان‌های جنوب باختری ایران آورده‌اند و هم خانواده لری دانسته‌اند. علی‌اف^۳ تات‌شناس جمهوری آذربایجان زبان تاتی را ایرانی و از شاخه هند و اروپایی می‌داند. وی می‌گوید تات یکی از شاخه‌های زبان جنوب غربی ایرانی است. زبان فارسی، زبان تاجیک، گویش‌های لری، بختیاری و فارسی در مرکز همگی در قلمرو ایران از جمله زبان‌های کهن ایرانی است (علی‌اف ۲۰۰۶، ۹۷ - ۹۶). گویش تاتی یکی از گویش‌های مورد استفاده در آذربایجان بوده و با زبان‌های آذری^۴ و زبان مردم ری از یک خانواده بوده است و اصل آن به زبان مادی پیش از اسلام

^۱ - Tati Zobun.

^۲ - Igor Mikhailovich Diakonoff (۱۹۱۵-۱۹۹۹).

^۳ - Mehmed Aliyev.

^۴ - زبان آذری منظور زبان آتورپادگان در دوران مادی و ایرانی است. باید توجه داشت زبانی که اکنون به نام زبان آذربایجانی در جمهوری آذربایجان گفته می‌شود اساساً بی‌معنی است. زیرا زبان آذربایجانی مربوط به زبان کهن و باستانی جنوب ارس و جغرافیایی دیگری است. ضمن آنکه زبان ترکی در اصل با زبان آذربایجانی دو گونه جدا از هم هستند. از نظر زبان‌شناسی و قوم‌شناسی اصطلاح زبان آذربایجانی (به معنی ترکی) اصالت ندارد و فاقد سندیت تاریخی است. مشکل تعیین زبان در جمهوری آذربایجان پس از سال ۱۹۱۸ و همچنین جمهوری سوسیالیستی در سال ۱۹۲۰ در میان آثار موخان جمهوری آذربایجان مطرح شده است و آنها نیز به چالش‌های نیم قرن سیل زبان و خط در این جمهوری اشاره دارند. دیانت سایبر آقایف (Dayanat Sabir Aghayev) دکترای زبان از دانشگاه باکو در تحقیقی با نام "وضعیت زبانی آذربایجان" به این موضوع اشاره کرده است. به عبارتی از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۹۱ طول کشید تا در این جمهوری رسماً زبان ترکی آذربایجانی را در قانون اساسی و همچنین محافل علمی مشروعیت بخشد (آقایف ۲۰۱۵). آقایف در مقاله‌ای می‌نویسد که از سال ۱۹۲۰ آذربایجان اصلاحات آموزشی را برای الفبای آذربایجانی آغاز کرد. او می‌نویسد که یک دهه طول کشید تا این اصلاحات انجام شد. نخست هم عربی و هم لاتین همزمان الفبا قرار گرفت و سپس سیریلیک الفبای جمهوری آذربایجان تا پایان جمهوری سوسیالیستی شد. اما بحث درباره زبان رسمی جمهوری آذربایجان یعنی آذربایجانی و یا روسی آغاز شد. در اوایل آذربایجان سوسیالیستی زبان دولتی را در قانون اساسی مشخص نکرد و ماده‌ای در

باز می‌گردد (صفرزاده ۱۳۸۶، ۶۹). مینورسکی^۱ زبان آنها را میان فارسی مدرن و گویش کاسپینی می‌داند (مینورسکی ۱۹۳۸). پیر لکوک^۲ شرق‌شناس فرانسوی و کارشناس ایران باستان همچنین این زبان را بازمانده سپاهیان ساسانی دوران انوشیروان دانسته است (لکوک ج ۱، ۱۳۸۲، ۴۸۹).

برخی معتقدند که تاتی قفقازی و یا پارسی یا آرانی جزو دسته زبان‌های جنوب غربی ایرانی و هم خانواده با فارسی و لری است و با زبان تاتی ایران که از شاخه شمال باختری است، ناهمسان است. این زبان در جمهوری آذربایجان، داغستان، روسیه و

این باره نبود. دولت مصوبه‌ای در قانون اساسی نداشت. به‌جای زبان آذربایجانی فقط یک تأییدیه دولت سوسیالیستی بود. تنها زبان ترکی در دستورالعمل سال ۱۹۲۱ و مصوبه دولتی ۱۹۲۴ وجود دارد. در این دستورالعمل آمده است که اگر مشکلی برای فهم زبانی وجود داشته باشد از زبان روسی و یا زبان دیگری که میان اقلیت‌ها می‌تواند ارتباط برقرار کند استفاده شود. آقایف می‌نویسد که تا سال ۱۹۵۶ هیچ پیشرفتی برای قرار گرفتن زبان آذربایجانی به‌عنوان زبان دولتی حاصل نشد. در آن سال پیشنهاد شد که قانون اساسی سال ۱۹۳۷ تغییر کند و زبان دولتی رسماً تصویب شود. پیشنهادهای نیز داده شد. در قطعنامه ۱۹۵۶ ماده‌ای گنجانده شد که مربوط به زبان دولتی بود که می‌بایست به قانون اساسی اضافه شود. با وجود کوشش‌های مقامات دولتی برای تعریف مشخص از زبان رسمی که در قانون اساسی بیاید شوربختانه این امر محقق نشد و حتی در آخرین قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی آذربایجان در سال ۱۹۷۸ گنجانده نشد (آقایف ۲۰۱۵). یعنی به نظر آقایف تا این زمان هنوز تکلیف زبان رسمی آذربایجان در قانون اساسی تعیین نشده بود. آقایف می‌نویسد که سرانجام در زمان حیدر علی‌اف رئیس دولت جمهوری آذربایجان پس از استقلال، زبان رسمی جمهوری آذربایجان در قانون اساسی مشخص شد. بر پایه قانون اساسی زبان جمهوری آذربایجان به‌نام آذربایجانی مشخص و تصویب شد. اما تأکید شد که کسانی که زبانشان غیر از این است می‌توانند به زبان خود در نظام قضایی استفاده کنند و یا مترجم برای ارتباط زبانی بگیرند و یا با دیگر اقوام ارتباط برقرار کنند (آقایف ۲۰۱۵). بنابراین چنانکه مشاهده می‌شود یک جدال بزرگ بر سر زبان جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۹۱ وجود داشته است و بر اساس نظر آقایف در قانون اساسی جمهوری آذربایجان تا سال ۱۹۹۱ یعنی ۷۱ سال پس از تأسیس‌اش زبان رسمی قید نشده بود. همین موضوع نشان‌دهنده مناقشه زبانی و همچنین کاستی‌های تعریف زبانی در این جمهوری و نادرستی‌های تعاریف دولتی از زبان آذربایجانی است. اما این مناقشه در سال ۱۹۹۱ پایان نیافت و اقرار علی‌اف مورخ و زبان‌شناس با ادامه بحث درباره نام آذربایجان و زبان آذربایجانی در کتاب تاریخ آذربایجان خود همچنان تناقضات موجود بر سر زبان آذربایجان و نام آن را مطرح نمود و پیشنهادهای برای حل آن داد.

^۱ - Vladimir Minorsky (1877-1966).

^۲ - Lecoq, P.

اسرائیل و آمریکا گویشورانی دارد (پروژه یسوا ۲۰۱۹).^۱ علی‌عبدلی تات‌پژوه ایرانی معتقد است تات نامی است که به بخش گسترده‌ای از جامعه‌ی ایران بزرگ اطلاق شده است. تات‌ها نه یک قومند، نه یک طایفه و نه یک ایل، بلکه جماعات مختلفی از ایرانی‌زبانان هستند که اطلس پراکندگی آنها از داغستان و شیروان و آذربایجان و قزوین و زنجان تا سمنان و خراسان را در بر می‌گیرد (عبدلی ۱۳۸۰، ۲۹-۳۰).

علی‌عبدلی تات‌شناس ایرانی بر این باور است زبانی که جماعات موسوم به تات به آن سخن می‌گویند، آنچنان متنوع و متفاوت از هم‌اند که با وجود ایرانی بودن و وجوه اشتراک فراوانی که جابه‌جا با هم پیدا می‌کنند به‌عنوان لهجه‌های مرتبط به هم یک زبان واحد قرار نمی‌گیرند. به‌طور مثال لهجه‌ای که تات‌های بخش جرگلان^۲ از توابع بجنورد و برخی روستاهای خط مرزی ترکمنستان به آن سخن می‌گویند، با لهجه‌ی تات‌های تاجیکستان و بلوک زهرا و رامند^۳ از یک طرف و با تاتی اطراف مرند و خلخال از طرف دیگر و همه‌ی اینها با تاتی قفقاز همانقدر متفاوتند که هر یک از اینها آن تفاوت را با فارسی و گیلکی و کردی دارند (عبدلی).

از سوی دیگر علی‌اف می‌گوید که منشاء زبان تاتی به زبان‌های کهن و میانه ایرانی بسیار بیشتر نزدیک است (علی‌اف ۲۰۰۶، ۱۰۳). با حمله اعراب به ایران در سده هفتم و هشتم میلادی مناطق شمالی زبان تاتی از ایران جدا افتاد و به تدریج با فارسی فاصله گرفت و بعداً کلمات ترکی نیز وارد آن شد و از نظر دستوری هم تأثیر پذیرفت. با احاطه شدن تات‌ها به وسیله اقوام ترک زبان همچنین در سده نوزده و بیستم شرایط اقتصادی و سیاسی در مناطق تات‌ها تغییر کرد و روابط با مردم دیگر به‌ویژه با آذربایجانی‌ها و داغستانی‌ها بسیار گسترش یافت. این رابطه موجب شد تا شکل زبان تاتی تأثیر زیادی بگیرد (علی‌اف ۲۰۰۶، ۱۰۵).

^۱ - تات‌های یهودی یا تات‌های کوهستانی در آذربایجان زندگی می‌کنند. بر پایه درگاه اینترنتی یسوا پروژکت (سازمانی است که بر روی اقوام مسیحی اונجلیک جهان مطالعه می‌کند) کل یهودیان تات زبان جهان ۸۷ هزار نفرند. بر پایه این منبع یک چهارم تات زبان‌های یهودی در شهر بروکلین نیویورک زندگی می‌کنند و نیمی از آنها نیز در اسرائیل ساکن هستند (پروژه یسوا ۲۰۱۹).

^۲ - جرگلان (Jargalan) منطقه‌ای در شمال خراسان ایران است.

^۳ - بخش رامند در بوئین زهرای استان قزوین ایران است.

علی‌اف عواملی که بر زبان تاتی تأثیر گذاشته است را بدین شرح دسته‌بندی می‌کند:
 ۱- از طرف ایران و زمان طولانی ۲- تأثیر جدی از عناصر ترکی آذربایجانی گرفته است.
 از نظر فونتیک و گرامری هم تأثیر جدی داشته است. ۳- از زبان‌های دیگر زبان‌های
 خزری (تالش، گیلان، مازندران و دیگر) تأثیر گرفته است. ۴- لهجه شمالی از زبان
 یهودیان قدیم تأثیر گرفته است. برخی از واژه‌های یهودی نیز در میان تات‌هایی که دین
 یهودی را پذیرفته‌اند دیده می‌شود. ۵- از زبان عربی از جنوب نیز تأثیر گرفته است. ۶-
 تات‌هایی که مسیحی شده‌اند از زبان گریگوریان نیز واژگانی وام گرفته‌اند. ۷- و از نظر
 تکنیک و علمی هم از واژگان روس استفاده شده است (علی‌اف ۲۰۰۶، ۱۰۶).

اریک بازیروف^۱ از دانشگاه سواس لندن (مدرسه مطالعات شرق‌شناسی و آفریقایی)
 معتقد است که تات‌ها یا پارسی زبان‌های جمهوری آذربایجان گویش همگونی ندارند.
 برای نمونه گویش تات‌های شمال با تات‌های مرکز و در حوالی باکو تفاوت‌هایی دارد.
 تات‌های شمالی جمهوری آذربایجان به زبان پارسی کهن‌تری سخن می‌گویند. حال آنکه
 تات‌های محلات باکو و پیرامون به پارسی محاوره‌ای نوین ایران امروز سخن می‌گویند
 (بازیروف). یکی از مراکز اصلی زبان فارسی نوین و ایرانیان در آن نواحی شهر شماخی^۲
 است. مرشدلو^۳ شماخی را یکی از شهرهای پیش از دوره کلنیستی تزاری آورده است که
 پیش از اشغال به‌وسیله روس‌ها، مرکز مهمی در قفقاز جنوبی بود. برای سده‌ها این شهر
 مرکز سیاسی شروانشاهان بود و مرکز اسلامی این سلسله بود. حتی شماخی پس از
 اضمحلال شروانشاهان به‌وسیله صفویان، همچنان تا سده‌ها مرکز اسلامی باقی ماند. در
 سده هفدهم مرکز اقتصادی و اجتماعی مهم قفقاز جنوبی بود. مرشدلو شهر شماخی را
 در سده هفدهم میلادی یک شهر کاملاً ایرانی و با همه تأسیسات و دوایر شهری توصیف
 کرده است (مرشدلو ۲۰۱۸).

پارسی قفقازی با زبان تاتی ایرانی که در شاخه زبان شمال غربی است تفاوت‌هایی
 دارد. ارانسکی^۴ گویش‌های تاتی را به دو شاخه بزرگ تقسیم می‌کند: تاتی آذربایجانی و

^۱- Basirov, O.

^۲- شهر شماخی شهری تات زبان در جمهوری کنونی آذربایجان است و مرکز شروانشاهان برای
 قرون متمادی بود.

^۳- جواد مرشدلو استاد تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت مدرس در تهران است.

^۴- L Josef Mikhailovich Oranski (1923-1977).

تاتی یهودی (به‌ویژه در جمهوری خودمختار داغستان). او می‌پندارد که لهجه‌های تات‌های مسلمان با تات‌های یهودی یا کوهستانی هم‌گون نیست (ارانسکی ۱۳۷۸، ۱۳۷). به گمان وی تاتی در نظام آوایی و دستوری خود به فارسی و تاجیکی نزدیک است. اما در واژگان و تا حدی نیز در نظام آوایی و دستوری تحت تأثیر ترکی آذری قرار دارد (ارانسکی). ویندفوهر^۱ ایران‌شناس آلمانی مدل دیگری از گویش‌های تاتی بیرون از مرزهای ایران کنونی را پیشنهاد داده است. او زبان تاتی قفقازی خارج از ایران را به سه گویش تاتی مسلمانان، تاتی یهودیان (جوهوری) و تاتی مسیحی-ارمنیان تقسیم می‌کند (ویندفوهر ۲۰۰۹، ۴۱۷). گرونبرگ زبان تات‌های یهودی یا جوهوری را متعلق به گروه زبان ایرانی مادی می‌داند. آنها به زبان تات‌های یهودی غرب ایران سخن می‌گویند (چلنو ۱۹۹۸، ۶).

پیر لکوک هم گویش یهودیان کوهستانی^۲ (تات جهودلر) را از گویش تات‌های آذربایجان جدا کرده است و برای تات‌های این جمهوری سه گویش مشخص می‌کند: ۱- لهجه قوبا، دوه چی، کوناک کند، لهجه شمالی است. ۲- لهجه مرکزی شامل تات‌هایی است که مناطق خیزی زندگی می‌کنند. ۳- لهجه جنوبی آبشورون، لاهیج و شماخی. پراکنش گویشی تات‌ها نیز در جمهوری آذربایجان بر پایه تقسیم‌بندی دانشنامه بزرگ اسلامی در دو شاخه بزرگ توضیح داده می‌شود: ۱- تاتی شمالی که یهودیان داغستان (در بند)^۳ و منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان (قوبا و وارتاشن) بدان سخن می‌گویند ۲- تاتی جنوبی که مسلمانان و شماری از مسیحیان شمال شرقی جمهوری آذربایجان (دیوه چی، لاهیج و شبه جزیره آبشوران در شرق باکو) بدان سخن می‌گویند (لکوک، ۴۹۰). پیر لکوک معتقد است که این زبان احتمالاً توسط سپاهیان ساسانی به قفقاز منتقل شده است (محمودی بختیاری، ۲۰۲). گروهی دیگر نیز لهجه تاتی شمالی را بر پایه تفکیک دینی تقسیم‌بندی کرده‌اند و این زبان را شامل سه لهجه مسلمان،

^۱- Windfuhr, G.

^۲- آنها را به ترکی تات جهودلر، یهودی کوهستانی "داغ یهودی"، داغ به معنی کوه آورده‌اند. همچنین با نام داغ جوودی یا جوهوری نیز مشهورند.

^۳- در بند و یا باب‌الابواب اکنون در جمهوری داغستان روسیه قرار دارد. سازنده شهر شاپور دوم ساسانی است. این شهر در ۹۵ کیلومتری شهر تات‌نشین قوبا در جمهوری آذربایجان قرار دارد. بر پایه آمار سال ۲۰۱۰ تات‌های یهودی شهر ۱۳۴۵ نفرند. تات‌های تبسرانی (طباسران) هم ۱۸۸۳۹ نفرند.

یهودی و مسیحی دانسته‌اند. دکتر عنایت‌الله رضا ایران‌شناس تبریزی تات‌ها را از نظر اعتقادات دینی به سه گروه مسلمان شیعه، یهودی و مسیحی یعقوبی تقسیم کرده است (رضا ۱۳۸۰، ۱۵۵). به باور وی هر یک از این گروه‌ها گویش ویژه خود را دارند که میان آنها اندک تفاوتی مشهود است. به اعتقاد احسان یارشاطر^۱ تات‌شناس ایرانی گویش تاتی یهودیان کوهستانی یا "داغ جفود" از فارسی یا یکی از گویش‌های نزدیک به آن اشتقاق یافته است (محمودی بختیاری، ۲۰۲).

مقصود حاجی‌اف بر خلاف دیگران گویش‌های تات‌های مسلمان جمهوری آذربایجان را از نظر وجه تمایز و تفاوت‌های صوتی و لکسیک^۲ و فراملی به سه لهجه عمده تقسیم می‌کند: ۱- لهجه‌های زبان تاتی قسمت شمالی جمهوری آذربایجان: لهجه قوبا، لهجه دوچی، لهجه قوناقدکند و لهجه قیزیل قازما^۳ (در ناحیه خیزی یا خزری) ۲- لهجه مرکزی - لهجه عروس‌کش - داغقوشچی^۴ و یا خود لهجه خیزی یا خزری. ۳- لهجه‌های جنوبی که عبارتند از لهجه‌های آبشوران، بالاخانی، سوراخانی، لاهیج در ناحیه اسماعیلی و ملحم^۵ در ناحیه شماخی. (حاجی‌اف ۱۳۷۸).^۶

۱- احسان یارشاطر (۱۲۹۹-۱۳۹۷) بنیانگذار دانشنامه ایرانیکا و ایران‌شناس و تات‌شناس برجسته ایرانی است. وی متولد همدان است و در دانشگاه تهران مشغول به کار شد. پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا با سمت استادی آغاز به کار کرد. وی تحت تأثیر دانشمندی به نام والتر هنینگ بود. همو بود که از وی خواست تا درباره گویش‌های تاتی جنوبی تحقیق کند. وی به تشویق استادش هنینگ در این باره پژوهش‌های گرانسنگی دارد.

^۲ -Leksik.

۳- قزیل قازما (Qizil Qazma Kendi) قیزیل در ترکی به معنی سرخ و قازما به معنی کلنگ است.

۴- داغقوشچی از دو کلمه داغ و قوشچی تشکیل شده است. داغ به معنی کوه در ترکی و قوشچی نیز در زبان ترکی به معنی باز شکاری است و نام احتمالاً نام شهری باید باشد. در ایران نیز شهر قوشچی در نزدیک اورمیه وجود دارد.

۵- نام ملحم را ملگام (Melgam) و ملخام (Melkham) نیز نوشته‌اند. روستای ملحم ۱۳۷۸ تن باشنده دارد. خاقانی شیروانی اهل این روستا بوده است. همگی این روستا بر اساس درگاه ویکی‌پدیای آذربایجان فارس‌زبان هستند. در درگاه تات‌های قفقاز نیز آمده است که ۱۰ تا ۱۵ درصد از مردم روستا به باکو برای ادامه تحصیل رفته‌اند. در میان آنها شمار کمی عروس غیر تات نیز زندگی می‌کنند.

۶- حاجی‌اف می‌گوید: "در تحقیق‌های مختلف ما، این لهجه‌ها از جوانب مختلف زبان‌شناسی با یکدیگر مقایسه شده و نتایج جالب زبان‌شناسی به دست آمده است. ما در کتاب «تحقیقات تاریخی

جیلاس اوسیر^۱ استاد و مدیر دپارتمان زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی قفقاز در دانشگاه سوربون پاریس است. وی در پژوهشی پیرامون عبارات موصولی در تاتی آذربایجانی و تاتی ابشرون همانندی‌های میان این دو گویش را نشان می‌دهد. او تغییرات زبانی در تات‌ها را نیز بررسی کرده است و رابطه این گویش را با دیگر گویش‌های موجود در آذربایجان مورد توجه قرار داده است. او گویش تاتی یا فارسی ابشرونی را دارای ویژگی‌هایی می‌داند و می‌نویسد که پس از طی یک دوران از دو زبانی بودن در منطقه از نظر گونه‌شناسی برای نمونه زبان آذربایجانی کنونی خیلی به ترکی ترکیه امروزی مانستگی‌هایی دارد. اما در قواعد نحو (ترکیبی) زیر نفوذ زبان فارسی به‌عنوان یک زبان پرستیژدار در منطقه است. برعکس آن، گویش تاتی از نظر واژگان اکثریت غالبی بر گویش ترکی دارد و در حدود ۸۰ درصد از واژه‌های تاتی ریشه فارسی دارند. آنها نشان‌دهنده یک شمار قابل توجهی از گونه‌های ویژه در ترکیب نحوی تاتی است. این ویژگی، زبان تاتی را به‌عنوان زبانی جدا در آورده است و مرکب از چند گویش است و برای سخنوران ایرانی نیز پیچیدگی‌هایی دارد. بیشتر گونه‌های تاتی بسیار کم بررسی شده است.

موضوع مهم دیگری که میان زبان‌شناسان و تات‌شناسان مطرح است آنکه آیا باید گویش تات یهودی و یا جوهری^۲ را از گویش تات مسلمان جدا دانست؟ یا اینکه از نظر زبانی جدایند. حسینوا^۳ و گرونبِرگ^۱ و گریمز^۲ و دیویدوا معتقدند که میان این دو تاتی

و اتنوگرافی تات‌های آذربایجان «منتشر شده در سال ۱۹۹۵، ۶۰۰ کلمه (حرف) را در مقایسه ۶ لهجه زبان تاتی داده‌ایم که دو لهجه آن لهجه‌های قوناکنند و ملحم زبان تاتی قسمت جمهوری آذربایجان و چهار لهجه آن لهجه‌های کرینگان و هرزنی و ابراهیم آباد و سگزآباد (قزوین) زبان تاتی قسمت ایران را در بر می‌گیرد، جمعاً بیش از چهار هزار کلمه در لهجه‌های مختلف به مقایسه کشیده شده است. حتی در داخل یک لهجه نیز تفاوت‌های مشخص شیوه‌ای جلب توجه می‌نماید مثلاً، یک نمونه از لهجه مرکزی زبان تاتی جمهوری آذربایجان، آن را در بالا به‌نام لهجه عروس‌کش - داغفوشچی یادآور شدیم دقت شود این لهجه خود نیز به ۶ شیوه تقسیم شده است (حاجی‌اف ۱۳۷۸).

^۱ - Authier, G.

^۲ - یهودی‌هایی که زبان تاتی دارند بیشتر ترجیح می‌دهند نام خود را جوهری بنامند.

^۳ - گلسوم اسرافیل حسینوا (Gülsüm Hüseynova) دانش آموخته رشته زبان‌شناسی از دانشگاه باکو در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۹ است. حسینوا دکترای زبان‌شناسی دارد. او مقاله زبان تاتی لاهیج را در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد. سپس کتاب "واژگان تاتی آذربایجانی" را به چاپ رساند. وی درباره

درجه‌ای از عدم فهم زبانی وجود دارد و این ممکن است به دلیل تفاوت‌های دینی میان این دو گروه باشد. بر پای نظر دوری و پراکندگی جغرافیایی مشکلاتی را برای درک متقابل زبانی میان تات‌های شمالی، مرکزی و تات‌های مسلمان جنوبی ایجاد کرده است (ابکت ۲۰۱۷، ۱۱۱).^۳

آنچه مسلم است اینکه میان شهرها و نواحی تات‌نشین جمهوری آذربایجان گویش‌های زبانی متفاوت با لهجه‌های گوناگون نیز وجود دارد. گل‌سوم حسینوا در کتاب "واژگان زبان تاتی"^۴ به تفاوت‌های لهجه‌های آبشوران و لهجه شمالی در روستای ملحم و لاهیج اشاره دارد و مطالعاتی در این زمینه داشته است. او با بررسی برخی واژگان در این دو منطقه تفاوت‌های واژگانی را نشان می‌دهد (حسینوا ۲۰۱۳، ۸۲). گرونبرگ نیز در تحقیقات خود میان لهجه‌های تاتی از نظر فونتیک، واژگانی و دستوری به تفاوت‌ها اشاره دارد. وی می‌نویسد که این تفاوت دینی روی لهجه تات‌های شیعه در شمال هم تأثیر گذاشته است. لهجه تات‌های شیعه تحت تأثیر زبان سنی شمالی نیز بوده است. گرونبرگ لهجه‌های تات را به سه گروه تقسیم کرده است. لهجه شمالی (شیوه‌سنی): شامل شهرستان‌های قوبا، دوه‌چی، قوناق کند و خیزی، قزیل قازما^۵، می‌شود. لهجه مرکزی شیعه شامل: شیعه شامل خیزی، عروس کش^۶، داغقوش جو^۷. لهجه جنوبی شیعه شامل خیزی، سیه زن تقسیم‌بندی کرده است (حسینوا ۲۰۱۳، ۲۰).

درباره تات‌های یهودی هم تفاوت‌هایی وجود دارد. اما هیچ توضیح جامعی از این تفاوت‌ها در دسترس نیست. جامعه یهودیان در جنوب داغستان و شهرهای شمالی قفقاز به گویش‌های شمالی بیشتر سخن می‌گویند. در حالی که گویش‌های جنوبی در جمهوری آذربایجان بیشتر در جوامع مسلمان مرسوم است (اوسیر ۲۰۱۲). پروفیسور جیلاس اوسیر

لهجه‌ها و زبان تاتی از جمله متخصصان جمهوری آذربایجان است. او عضو مؤسسه زبان‌شناسی آکادمی ملی علوم آذربایجان (NAS) باکو نیز است.

^۱- آ. ال. گرونبرگ از تات‌شناسان روسی است. وی کتابی به نام "زبان تاتی آذربایجان شمالی" در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد که شامل مونوگرافی و آواشناسی و دستور و واژه‌ها و متون تاتی است.

^۲- Grimes.

^۳- ABeckett, L.

^۴- Tat Dilinin Leksikasi.

^۵- Qızıl Qazma.

^۶- Ərüşküş.

^۷- Dağquşçu.

معتقد است تاتی در تماس دائمی برای مدتی طولانی با آذربایجانی و همچنین زبان‌های گوناگون قفقازی بوده است.^۱ او در ادامه می‌نویسد در آذربایجان، زبان تاتی زبان چند هزار مسلمان قوبا (قبه)، اسماعیلی، مناطق ابشرون و دیگر مناطق مجاور جوامع تاتی یهودی که در قوبا در حال روآمدن و شکوفا شدن هستند. اما تات‌های یهودی در اغوز^۲ رو به نابودی‌اند. این در حالی است که تفاوت میان گویش‌های همجوار به گونه‌ای است که می‌توانند یکدیگر را درک کنند. سخنگویان تاتی از شبه جزیره ابشرون (آبشوران) نزدیک باکو (همه مسلمان) نمی‌توانند حتی متن نوشتاری گویش زبانی جامعه یهودیان دربند را در داغستان بفهمند (اوسیر ۲۰۱۲: ۱-۲). (تصویر شماره ۲)

اوسیر می‌گوید که به احتمال زیاد در گذشته تاتی، نه زبان آذربایجانی (جمهوری)، زبان مسلط بوده است و استراتژی‌های زبانی را ایجاد کرده است و انگیزه‌ای برای زبان ترکی شده است تا از تاتی بهره گیرد. او به‌طور مشخص به وجه وصفی و عبارات موصولی اشاره دارد که ترکی جمهوری آذربایجانی از تاتی گرفته است. او در پاورقی خودش می‌گوید که ما در منابع اروپایی از نام تات به زبانی اشاره می‌کنیم که تنها در شمال قفقاز و شمال شرقی بخش جمهوری آذربایجان سخن گفته می‌شود. اما برخی مواقع (به‌وسیله یارشاطر و استیلو^۳) به ساکنان زبان‌های ساکن شمال غرب ایران و جنوب آذربایجان ایران گفته می‌شود (اوسیر ۲۰۱۲).

^۱ - بر پایه گرونبرگ^۱ زبان تاتی یک رشته‌ای از گویش‌های گسترده از جزیره ابشرون تا شهر نالچیک (Nalchik) در کاباردینو-بالخاریا^۱ است. اما در حقیقت گونه‌هایی در شرقی‌ترین نقطه که به‌وسیله جامعه یهودیان در گروزنی، نالچیک و موزدوک (Mozdok) سخن گفته می‌شود، بخشی از گویش کیتگ (Kaitag) است که در شمال دربند بدان سخن می‌گویند. در خود شهر کهن دربند باشندگان تاتی زبان یهودی‌اند. در حالی که در روستاهای پیرامون دربند مانند دجالگان نوغدی (Djalganof Nugedi) اکنون مسلمانند.

^۲ - اغوز (Oghuz) پیشتر وارتاشن (Vartashen) نام داشت.

^۳ - دونالد استیلو (Donald Stilo) ایران‌شناس و زبان‌شناس آمریکایی است که بر روی زبان‌های ایرانی و آذری و به‌ویژه گویش وفسی تحقیقات مفصلی دارد. وی پیش از انقلاب ایران به مدت ۵ سال در ایران زندگی کرد و کاملاً مسلط به زبان فارسی است و در دانشگاه کالیفرنیا شعبه لس‌آنجلس استاد زبان‌شناس است. مهمترین اثر وی گرامر وفسی-تاتی است که در ۹۰۰ برگ تهیه و منتشر شده است.

ریشه قومی پارسیان جمهوری آذربایجان

اطلاعات کمی درباره اینکه پارسیان قفقاز از چه زمانی در این منطقه می‌زیسته‌اند و از کجا بدان‌جا آمدند در دست است اما همین اطلاعات و اشاره کم نیز ما را به ریشه اصلی آنها رهنمون می‌سازد. آنچه شرق‌شناسان و مورخین بدان تأکید داشته‌اند و اینکه خود تات‌ها به آن اذعان دارند آن است که آنها ایرانی‌اند و زبانشان از دسته‌های زبانی ایران باستان است. در قرون وسطی مهاجران ترک، ایرانیان این منطقه را به نام تات یا غیر ترک می‌نامیدند. امروزه پارسی‌ها پس از اینکه این اصطلاح در سده‌های گذشته جا افتاد خود را تات معرفی می‌کنند ولی از نام‌های دیگر پارسی، داغلی^۱ و لاهیجی (در لاهیج) هم استفاده می‌کنند. (تصویر شماره ۳)

اما به دلیل سیاست همسان‌سازی^۲ و فشار و تبعیض زبانی علیه تات‌ها، شماری از آنها ترجیح می‌دهند به جای کاربرد نام فارسی از تاتی استفاده کنند. به عبارتی ترجیح می‌دهند که بگویند ما تات هستیم. در واقع مقصودشان همانا پارس‌زبان و پارسی است. از سوی دیگر پس از استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) به تدریج دیده می‌شود که از نام فارس هم استفاده شده است اما هنوز این کاربرد نادر است. مقصود حاجی‌اف^۳ اندیشمند تات می‌گوید تات‌های قفقاز آریائی نژاداند، یعنی خود را از طوایف ایرانی‌نژاد می‌دانند (حاجی‌اف ۱۳۷۸). درباره اینکه این گروه زبانی از کجا آمده است اتفاق نظر بیشتری وجود دارد. علی‌اف به آمدن پارسیان از ایران در دوره ساسانی اشاره دارد و می‌گوید که برخی نیز در زمان حمله اعراب به این نواحی آمده‌اند. در سده‌های ۴

^۱ - Dağlı.

^۲ - Assimilation.

^۳ - مقصود حاجی‌اف شاعر و پژوهشگر تات‌زبان و پارسی جمهوری آذربایجان است که در سال ۱۹۳۵ در روستای گومور از توابع شهرستان قوناق کند در استان قوبا به دنیا آمد. او دکترای شرق‌شناسی را از آکادمی علوم جمهوری آذربایجان اخذ کرد. حاجی‌اف به سبب تسلط به زبان فارسی چندی به افغانستان اعزام شد. وی بنیانگذار مؤسسه تالش‌شناسی است و برنده جایزه ادبی دکتر معین از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان ایران بوده است. وی رئیس مرکز فرهنگی تات‌های باکو است. او گویش تاتی قوناق‌کندی را در سال ۱۹۶۶ به عنوان رساله نامزدی دکترای خود برگزید و از آن دفاع کرد. مقصود حاجی‌اف متخصص گویش تاتی قوناق‌کندی است. او در سال ۱۹۶۶ میلادی رساله دکترای خود را به همین موضوع اختصاص داد و دفاع کرد.

تا ۶ هجری به‌طور کلی در قفقاز مسکون شدند (۲۰۰۶، ۴۴-۴۰). او می‌گوید برخی منابع ادبی هم گفته‌اند که ایرانیانی که از دوره ساسانی به این مناطق آمدند از طوایف مشهوری چون بیوتات^۱ بوده‌اند (علی اف ۲۰۰۶، ۴۵). منابع تاریخ جمهوری آذربایجان به ایرانی بودن تات‌ها و حضورشان در دوره ساسانی اشاره دارند. تیمور بنیاداف تاریخ‌دان و مردم‌شناس^۲ پرکار و با سابقه آذربایجانی در کتاب "مردم‌شناسی جمهوری آذربایجان"^۳ می‌نویسد که در اوایل قرون وسطی دولت ساسانی ایرانی‌زبانان تات را به آذربایجان کوچاند (بنیاداف ۲۰۰۷ ج ۲، ۲۲). بنیاداف تأکید دارد که دولت ساسانی اقوام ایرانی را از آبشوران تا دربند در سواحل خزر فرستاد تا پشتیبان آنان باشند. تات‌ها ساکنان این مناطق از آنها هستند (بنیاداف ۲۰۰۷ ج ۱، ۴۱).

ولادیمیر مینورسکی شرق‌شناس و ایران‌شناس نیز می‌نویسد: "البته ایرانیان، به سبب نیاز به دفاع از مرزهای امپراطوری خود، از زمان‌های بس قدیم به این ناحیه (اران) هم رسوخ کردند. احتمالاً، ابتدا در دوره هخامنشیان برای بستن معابر قفقار بر روی مهاجمان کارهایی صورت گرفت. اما خاطره مهمترین استحکامات آن ناحیه، یعنی دربند (در ارمنی چور، در عربی اصول، اما معمولاً باب) و بسیاری دروازه‌ها (معابر مستحکم شده)، در روایات و اخبار، همراه است با نام شاهان ساسانی کاوات (قبادبن فیروز، ۴۸۸-۵۳۱ م) و فرزند نامدارش خسرو (کسری) انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) (مینورسکی ۱۳۷۵، ۲۰-۲۱). محمد حسن بهارلی^۴ مورخ و مردم‌شناس اوایل شده بیستم و دوران تازه تأسیس جمهوری آذربایجان معتقد است که تات‌های قفقاز جنوبی در

^۱ - کلمه (Buyutat) در لغت نامه دهخدا برگردان "ویسپوهر" در زبان پهلوی است که در آرامی "بریتا" می‌گفتند که معنی فرزند خانواده داشت. در ایران قدیم هفت خانواده بزرگ بود که آنان را "ویسپوهرگان" می‌گفتند و در صدر اسلام بقایای آن خانواده‌ها را "اهل بیوتات" نامیدند و رفته‌رفته اعیان مملکت را عموماً اهل البیوتات گفتند (دانشنامه دهخدا).

^۲ - تیمور بنیاداف (Bünyadov, T.) متولد ۱۹۲۸ از روستای کازاک است. وی در سال ۱۹۵۱ از دانشگاه دولتی باکو در رشته تاریخ فارغ‌التحصیل شد. او شاگردی. کروپینو قفقاز‌شناس مشهور روسی بود. تز دکترای وی درباره اوضاع اقتصادی آذربایجان در دوران باستان و قرون میانه است. او عنوان دکترای باستان‌شناسی، تاریخ و مردم‌شناسی نیز دارد. وی رئیس دانشکده قوم‌شناسی و باستان‌شناسی و نیز به‌عنوان استاد در دانشگاه دولتی آذربایجان و اسلوایک سالیان سال کار کرده است. او عضو مجلس ملی هم بوده است.

^۳ - Azərbaycan Etnoqrafiyası.

^۴ - محمد حسن بهارلی (: 1896-1937 Məhəmməd Həsən Baharlı).

دوران خسرو انوشیروان و یزدگرد در سده چهارم میلادی از ایران و مناطق اصفهان، طبرستان، لاهیجان، شوزیستان^۱ به این نواحی آمده‌اند و در نواحی خیزی، اسماعیل لی، لاهیج و دیگر نواحی ساکن شده‌اند (حمید ۲۰۱۷).^۲

منابع روسی و سپس جمهوری کنونی آذربایجان در یک راستا حضور تات‌ها یا پارسیان این جمهوری را ریشه در مهاجرت تاریخی اقوام ایرانی و پارسی به این منطقه می‌دانند. محمد مجنون اوغلو علی‌اف^۳ در کتاب «تات‌های آذربایجان» به سرآغاز پیدایش تات‌های قفقاز اشاره دارد و معتقد است بیشتر آنها در هنگام دوره اردشیر یکم و جانشین وی وارد این منطقه شدند (علی‌اف ۲۰۰۶، ۴۵). از نگاه تاریخی تات‌ها شامل اقوام قدیمی قفقاز جنوبی هستند. هرودوت به گسترش حوزه نفوذ هخامنشیان در دوره میان ۳۳۰-۵۵۸ پیش از میلاد اشاره دارد.

تاریخ حضور ایرانیان در منطقه قفقاز جنوبی و حتی شمالی به پیش از ساسانی و دوره هخامنشی بازمی‌گردد. بیشتر مورخان جمهوری آذربایجان نیز در دوره‌های اخیر تأکید داشته‌اند که تات‌ها یا ایرانی‌ها اقوام مهاجر دوره هخامنشی و یا ساسانی‌اند. با وجود آن، هدف آنها از مهاجر تلقی کردن تات‌ها بررسی علمی و تاریخی نبوده و تنها به این دلیل بوده است که اقوام ترک را ساکنان واقعی و دیرینه آلبانیا و اران پیش از آمدن ایرانیان بر شمرند و استدلالی برای اینکه چرا جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۲۰ ترکی شده است داشته باشند و مبنایی تاریخی برای ترک بودن آذربایجان پیدا کنند و هویتی تاریخی و باستانی برای سرزمینی که شروان نامیده و هویتی غیر ترک داشته است بیابند.

هدف مورخان جمهوری آذربایجان آن است که سایر اقوام را اقلیت بنامند. برای نمونه توفیق محمداف (ممداف)^۴ در کتاب «آلبانیای قفقاز در قرون میانه»^۵ در توضیح زبان‌های آلبانیای قفقاز آنها را به دو گروه زبانی تقسیم می‌کند قبایل بومی که به

^۱ - احتمال زیاد خوزستان باید باشد. اما در منبع ترکی بدین صورت "Şüzistan" آمده است. شاید هم از واژه شوش گرفته شده است.

^۲ - Həmid, S.

^۳ - تات‌زبان و تات‌شناس مشهور جمهوری آذربایجان است.

^۴ - توفیق محمداف (۱۹۳۵) دکترای تاریخ دارد و مورخ آذربایجانی است. وی عضو مؤسسه تاریخ باکیخاف است. محمداف در زمینه تاریخ بیزانس، یونان، عرب، سریانی و گرجی نیز صاحب تألیفات است.

^۵ - Qafqaz Albaniyasi İlk orta əsrlərdə.

زبان‌های قفقازی و ترکی صحبت می‌کردند و گروه دوم قبایل مهاجر که ایرانی و ترکی بوده‌اند. یعنی از نظر سرزمینی ترک‌ها متقدم و بومی و ایرانیان مهاجر و تازه‌وارد به منطقه دانسته است. او کوشش می‌کند تا آلبانیای قفقاز را در قرون میانه ماهیت اترک معرفی کند. وی می‌نویسد: «تحقیقات ثابت کرده است که یکی از مهمترین عناصر ساختار قومی جمعیتی سده‌های ۴ تا ۷ میلادی در آلبانیای قفقاز قبایل ترک‌زبان بوده‌اند» (محمداف ۲۰۰۶، ۳۵۴). محمداف نمونه‌ای از تحقیقات را نمی‌آورد و به همین جمله بسنده می‌کند. او نمی‌گوید که کدام تحقیقات چنین اشاراتی داشته‌اند؟ وی آلبان‌ها^۱، گرگرها^۲، اوتی^۳ (اودی‌ها)، کانگارها^۴ اوجماکی‌ها^۵ و هون‌ها^۶ را همگی ترک‌زبان یا ترک‌نژاد دانسته است (محمداف ۲۰۰۶، ۳۵۴). این در حالی است که خانم لالا علییوا از دانشگاه دولتی باکو در مقاله‌ای اودی‌ها را مربوط به گروه زبانی شمال شرق قفقاز و غیر ترک می‌داند و اساساً می‌نویسد که اودی‌ها و زبان آذری‌های باستان (به‌نظر وی قوم آذری) متعلق به گروه زبان‌های ترکی نیست (علییوا ۲۰۱۳). محمداف به‌عنوان مورخ برجسته آذربایجانی آلبان‌ها، اوی‌ها و گرگرها^۷ را که ابداً ترک نبوده‌اند را ترک خوانده است. اما خود وی در همان‌جا اشاره می‌کند: «بر پایه اطلاعات در دسترس از منابع کهن ارمنی، یونانی، سوریایی، گرجی و عربی ساکنان آلبانیا مردمان آلبان‌ها، اوتی‌ها،

^۱- Alban.

^۲- Garagar.

^۳- Uti.

^۴- Kangar.

^۵- Udjmakies.

^۶- Hun.

^۷- گرگرها از طوایفی هستند که بنا بر نظر استرابون و موسی خورنی مورخ ارمنی عهد قباد ساسانی از دریای سیاه و شبه‌جزیره کریمه به نواحی کر و راس کوچ کردند. در سده نهم پیش از میلاد قومی بزرگ بودند. در همین منطقه اکنون رودی به‌نام گرگرها وجود دارد. موسی خورنی قبایل اوتی و گاردمان و گرگر را از اخلاف اران می‌داند. او این اقوام را ترک ننمیده است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به مقاله عنایت‌الله رضا نگرشی بر مسائل زبانی در جمهوری آذربایجان. دکتر رضا می‌نویسد که از اقوام شناخته شده ساکت اران (آلبانیا) می‌توان به اقوام کاطس، (کاسپ)، آلبان (ران)، میک که به سبب مشابهت آن را با موغان یکی پنداشته‌اند، گل (گیل)، اوتی (اودین) و گرگر، سیلو (یلب)، لوین (لیپین)، وات، گاو، گلوار، خرسان، خچماتاک، پاسخ (پوسخ) یا پوکوان (Puskh)، (Pukuan)، تاواسپاران، خی بیوان، لاهیج، تات، تالش، بودوک، کریز، کردو خینالوگ اشاره کرد (رضا ۱۳۷۸).

لیپین‌ها^۱، کاسپین‌ها^۲، چلبزها^۳، گرگرها، لهزها^۴، گارمان‌ها^۵، تساودی‌ها^۶ بوده‌اند. بخشی از ساکنان آلبانیای قفقاز متعلق به گروه زبانی قفقازی بودند. «(محمداف ۲۰۰۶، ۳۵۴). می‌دانیم که قدمت حضور آلان‌ها یا آلبان‌ها پیش از آمدن خزرها به قفقاز جنوبی است. بارتولد دانشمند روسی و نیکولای مار دانشمند گرجی شوروی سابق معتقدند که آلان‌ها از نژاد ایرانی بوده‌اند (باغداساریان ۱۳۹۳، ۴۱).^۷

محمداف همان‌جا در تناقضی آشکار خود بخشی از این اقوام را قفقازی می‌نویسد. تکلیف خود را با اقوام قفقازی روشن نمی‌کند. نوشتار وی خود گواه روشنی بر تاریخ‌سازی و غیر علمی‌نویسی است. در ادامه می‌نویسد که همان منابع اقوام مسقط‌ها^۸، سک‌ها^۹ و گل‌ها^{۱۰} را نیز در این مناطق ذکر کرده‌اند. او به اقوام خزری اشاره می‌کند که اقوام ترک در آلبانیای قفقاز بودند. اما به مهاجر بودنشان و اینکه در سده ۶ میلادی به قفقاز جنوبی آمدند نیز اشاره‌ای نمی‌کند (بریتانیکا زیر نام مردمان خزر). شک نیست که خزرهای متشکل در کنفدراسیون ترک و هون‌های تاتار سابقه دیرینه در این منطقه و حضوری کهن داشته‌اند اما این همجواری و همزیستی میان ایرانیان و آنها در این سرزمین ریشه چند هزار ساله دارد و نمی‌توان تنها یکی از این دو را مهاجر نامید و برای دیگری شناسنامه‌ای قائل نشد.

محمداف برای اینکه این روند ترکی شدن آلبانیای قفقاز را توجیه کند و پاسخی برای آن داشته باشد کمی جلوتر در توضیح دلایل خود می‌نویسد: «بررسی‌های ما از مطالبی که از منابع موثق آورده شده است ثابت می‌کند برخی محققانی که معتقدند

^۱ - Ipin.

^۲ - Caspian.

^۳ - Chilbs.

^۴ - Leh.

^۵ - Gardman.

^۶ - Tsavdey.

^۷ - ادیک باغداساریان در مقاله‌ای "درباره آرانیان" می‌نویسد که آلان‌ها و آران‌ها یکی بوده‌اند و نظر احمد کسروی درباره اینکه آران از واژه "آر" گرفته شده است که نام دیگر نیای بزرگ "ایر" یا همان تیره آریایی است درست است. او می‌نویسد که سورن یرمیان عضو آکادمی علوم ارمنستان در سال ۱۹۳۹ در مجموعه علمی که منتشر کرد معتقد بود که نام‌های آران/آلان/آران/الوان/آغوان/آلبانیا یکی است (باغداساریان ۱۳۹۳، ۴۱).

^۸ - Maskut.

^۹ - Sak.

^{۱۰} - Gel.

ساکنان آلبانیا در سده‌های ۴ تا ۷ میلادی در میان همسایگان دیگر خود آسیميله شده‌اند بی‌اساس است.» او تلاش می‌کند که بگوید عنصر ترکی پیش از این در این مناطق وجود داشته است. هدف وی از نگارش کتاب آلبانیای قفقاز در قرون میانه آن است که بگوید پیش از برآمدن حمله اعراب و همزمان با دوره تاریخی ساسانی ایران که در این منطقه حضور تاریخی و فرهنگی و سیاسی داشته است و پیش از برآمدن شروانشاهان گروه‌های ترک‌زبان در این منطقه زندگی می‌کردند و از آن مهمتر اینکه این گروه‌های زبانی ترک گستردگی و جامعیت داشته‌اند.

محمداف در ادامه می‌نویسد که روند حل شدن زبانی و دگر گشت نه به‌صورت آسیميله شدن که به‌صورت خودجوش و بدون زور صورت گرفته است. وی می‌نویسد: «در آلبانیا در دوره مورد بحث روند آسیميله شدن یک روند طبیعی بوده است و عامل اجبار در آن نقشی نداشته است.» به عبارتی او مهاجرت گسترده اقوام ترک از جنوب به آلبانیا و از شمال به این نقطه را در دوران پس از اسلام و از زمان سلجوقیان کم‌رنگ نشان می‌دهد و می‌کوشد تا خواستگاه آلبانیای قفقاز را اصلاً ترکی معرفی کند.

وی می‌گوید که دو اتفاق در این مسیر روی داد ترک‌های مهاجر جدید با ترک‌های بومی که ساکنان باستانی اران و آلبانیان بودند متحد و ادغام شدند و زبان‌های قفقاز آلبانیا و ایرانی در قبایل ترک حل گردید و گروه ترک‌زبان در آلبانیای قفقاز به پیروزی رسید. توفیق محمداف سپس می‌نویسد که بررسی‌ها نشان می‌دهد که ساختار قومی جمعیت کشور دارای عناصر قومی گویشوران ترک‌زبان است (محمداف ۲۰۰۶، ۳۵۵). بنابراین با این روایت و داستان‌سرایی موضوع هویت تاریخی و فرهنگی آلبانیای قفقاز کاملاً هویتی ترکی معرفی می‌شود.

این نمونه در اینجا برای بررسی آورده شد تا نشان داده شود چگونه عنصر ایرانی و حضور اقوام ایرانی در عرصه تاریخ‌نویسی جمهوری آذربایجان حذف می‌شود و روند قوم‌سازی و هویت‌سازی در منطقه شروان و آلبانیای قفقاز روی داده است. بنابراین موضوع مهاجر دانستن سایر اقوام در این روند هویت‌سازی و تاریخ‌سازی برای این دسته از مورخان جمهوری آذربایجان بسیار مهم بوده است. از این‌رو مسئله آلبانیای قفقاز که همان شروان تاریخی است و هویتی ایرانی داشته است سنگر نخست فتح تاریخی است. به عبارتی باید تحریف از همین نقطه تاریخی آغاز شود تا بتوان روندهای پس از آن را یک به یک توجیه کرد و توضیح داد. اما چرا از آلبانیای قفقاز این تحریف آغاز می‌شود

زیرا منابع یونانی، ارمنی، گرجی و عربی و ایرانی این ادعا را که در آلبانیای قفقاز عنصر ترکی غالب بوده است را به‌گونه‌ای که خواهد آمد کاملاً رد می‌کنند.

از این‌روست که این مورخان می‌کوشند تا تات‌ها را مهاجر و در برابر گروهی به‌نام آذربایجانی غیر مهاجر نشان دهند و هویت آذربایجانی را بومی و غیر مهاجر منطقه شمال ارس بدانند. حال آنکه درباره واژه آذربایجانی بودن نیز بحث‌های علمی مستدلی وجود دارد. به این معنی که آذربایجانی به یک گروه قومی اطلاق نمی‌شود و تنها یک جغرافیا و آن هم نه در شمال ارس که در جنوب آن بوده است. دکتر علی آقا ممداف^۱ مورخ و قوم‌شناس جمهوری آذربایجان معتقد است که تات‌های شمال شرق جمهوری آذربایجان از نظر ریشه نژادی ایرانیان مهاجر دوره ساسانی هستند که زبانشان فارسی است. آنها در دروه ساسانی‌ها به سواحل دریای خزر در جمهوری آذربایجان آمدند (ممداف).

این در حالی است که هرودوت از وجود سه قوم میک (موخوی)^۲ کاسب و اوتی در محدوده جمهوری آذربایجان کنونی در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد خبر داده است (رضا ۱۳۷۸). دکتر رضا معتقد است اقوام کاسب، آلبان (ران) و میک یکی است.^۳ دکتر عنایت‌الله رضا معتقد است تات‌ها و تالش‌ها و اودی‌ها از جمله ۲۶ قوم و زبان منطقه آلبانیا هستند که استرابون بدان اشاره کرده بود (رضا ۱۳۷۸). در سال ۲۰۰۶ در ایده‌آل تپه در ۲ کیلومتری رود کر در غرب جمهوری آذربایجان در کاراچامیرلی (کاراشامیرلی)^۴ آثاری از یک بنای تاریخی هخامنشی به ابعاد بزرگ کشف شد

^۱ - دکتر علی آقا ممداف (Aliaga Mamedov) دکترای تاریخ دارد و اکنون رئیس دپارتمان قوم‌شناسی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان است.

^۲ - میک را موغان نیز گفته‌اند.

^۳ - هرودوت مورخ مشهور در زمینه اقوام جنوب غرب دریای کاسپین از قبیله‌ای به‌نام "میک" یاد کرده است که در کرانه رود ارس سکنی دارند. وی نام این قبیله را قبیله "موخوی" نوشته است. میر نبی عزیززاده در کتاب "تاریخ دشت مغان" می‌نویسد که برخی نیز نام آن را از همین نام "مغ" برگرفته‌اند. میک‌ها یا مغان در بخشی از سرزمین کاسپی می‌زیستند. او می‌نویسد که شاید اینها جزئی از کاسپیان بوده‌اند. وی به نقل از علی‌اف از مورخان قفقازی می‌نویسد که میک‌ها و کاسپیان‌ها بعدها با آلبانی‌ها و دیگر قبایل ساکن در مشرق قفقاز در هم آمیخته‌اند (ارس تبار، ۱۳۹۳).

^۴ - Karacamirli or Qarajamirli (Qaradshamirli).

(ابراهیمی‌پور ۲۰۱۷). این کشفیات در سال ۲۰۰۶ به‌وسیله نشریه علم و زندگی چاپ روسیه منتشر شد. بر پایه اعلام آکادمی علوم آذربایجان این کاخ بزرگترین کاخ هخامنشی خارج از ایران است (فرخ ۲۰۱۶). کاراچامیرلیدر ۳۶۷ کیلومتری غرب باکو در شهرستان شمکیر^۱ جمهوری آذربایجان است که کاوش‌های باستانی مشترک به رهبری کلاوس فلوریان^۲ آلمانی و الیاس بابایوف^۳ آذری انجام شد. بقایای یک تالار ۲۵۰۰ ساله دوره هخامنشی به مساحت یک صد متر همراه با چند اتاق کشف گردید (همشهری ۱۳۸۶). کلاوس معاون موزه مونیخ و رئیس حفاری، این کاخ را متعلق به سلسله هخامنشیان عنوان کرد. فلوریان گفت کاخ مربوط به دوره امپراطوری هخامنشی سده پنجم پیش از میلاد است. بر پایه اظهارات فلوریان تاکنون سه کاخ هخامنشی در قفقاز کشف شده است که دوتای آن در جمهوری آذربایجان است (حسینی ۲۰۱۴).

حضور هخامنشیان همراه با کاخ بزرگ در غرب جمهوری آذربایجان آنجا که اران نامیده می‌شود نشانه مهاجرت نیست که نشانه حضور گسترده اقوام ایرانی منطقه است. بنابراین نمی‌توان چنین پنداشت که هخامنشیان برای مهاجرانی که با خود به این سرزمین آورده بودند کاخی ساخته باشند. از این‌رو باید تصور کرد که اقوام ایرانی پیش از آن نیز در آنجا زندگی می‌کردند. قطعاً بستر جمعیتی و قومی آن در آن زمان مهیا بوده است که شاه وقت دست به ساخت چنین بنای بزرگی زده است.

نتایج حفاری‌های باستان‌شناسی کلاوس فلورینو ایلینو گاگوشیدزه گرجستانی و الیاس بابایف آذربایجانی در محافل علمی جهانی مطرح شده و به چاپ رسید. هر سه در مقاله‌ای با نام «یک نمونه ستون ایرانی در آذربایجان»^۴ به جزئیات این بنای ایرانی هخامنشی پرداختند (کلاوس و دیگران ۲۰۱۰). این اثر از یک روستایی که ستونی شکسته را در حیات خود پیدا کرده بود کشف گردید. جالب توجه است که اگر تات‌ها مهاجران ایرانی دوره ساسانی بوده‌اند پس کسانی که تقریباً ۸۰۰ صد پیش از آنها در پنجم پیش از میلاد در دروه هخامنشی در این کاخ زندگی کرده و یا در منطقه پیرامون آن حضور داشتند چه کسانی هستند؟ فلوریان و دوستانش در این مقاله این ستون‌ها را مشابه ستون‌های هخامنشی کشف شده در ساری‌تپه آذربایجان دانسته‌اند. بنابراین

^۱ - Shamkir.

^۲ - Knauss, F

^۳ - Babaev, I.

^۴ - A Persian Propyleion in Azerbaijan.

حضور ایرانیان در قفقاز جنوبی حضوری باستانی‌تر می‌شود و ریشه در تاریخی کهن‌تر دارد. فلوریان می‌نویسد که این بنا محل زندگی مقامات ایرانی در امپراطوری هخامنشی بوده است (کلاوس و دیگران ۲۰۱۰).^۱

حضور ایرانیان در منطقه آلبانیا بسیار کهن‌تر از دوره ساسانی و به دوره هخامنشی و حتی پیش از آن باز می‌گردد. افزون بر آن آثار هخامنشی در دربند و وجود آتشگاه‌های بسیار در آلبانیا حکایت از قدمت اقوام ایرانی و زرتشتی پیش از دوره هخامنشی است. این آثار در باکو، آبخوران، شماخی، گنجه، قوبا، اسماعیل لی و کلا شمال شرقی جمهوری آذربایجان به وفور دیده می‌شود. کاوش‌های باستان‌شناسی در دربند و داغستان که سابقه آن به ۲۸۰۰ سال پیش باز می‌گردد مربوط به دوره هخامنشی است. سکاها از اقوام ایرانی دوره هخامنشی بودند که از مردمان شمال ایران هستند و در شرق دریای خزر تا دریای سیاه پراکنده بودند. سکاها بعداً با اقوام آلان‌ها متحد شدند و سپس با نام آسی‌ها در این منطقه می‌زیستند. اینها در دوره هخامنشی گسترش یافتند (لکوک ۱۳۸۲، ۱۵۱). (تصویر شماره ۴)

ایران‌شناس تبریزی دکتر یحیی ذکاء نظر دیگران را درباره اینکه تات‌ها مهاجرانی بودند که در زمان ساسانی به دلایلی به این نقطه آمده‌اند را رد می‌کند. او باور دارد که در گذشته بر اثر سیاست‌های اشغالگرانه و استعماری روس‌ها و یادی آنها، دانشمندان و زبان‌شناسان روس در دوره تزاری به اجبار، منکر وابستگی‌های نژادی و زبانی مردمان بومی این سرزمین با مردم ایران بودند و آنان متأسفانه کوشیده‌اند با حدس و گمان و جعل، این مردمان را مهاجرانی وانمود نمایند که در دوره‌ی ساسانی (انوشیروان) از ایران به این نواحی کوچ داده شده‌اند. بنابراین این تیره‌های آرانی^۲ را از بومیان اصلی قفقاز، یا

^۱ - فلوریان کلاوس (Knauss Florian) متخصص دوره هخامنشی و دوره کوروش نیز است. وی در بررسی‌های خود مقالات علمی زیادی درباره ایرانیان منتشر کرده است. مقاله مهم دیگر وی با نام "پارس کهن و قفقاز" آثار هخامنشی در ساری‌تپه آذربایجان را با دقت توضیح داده است. او ساری‌تپه را نیز بنای هخامنشی و ستون آن را مانند ستون شوش در ایران می‌داند (کلاوس ۲۰۰۶، ۹۸).

^۲ - در منابع انگلیسی آن را Arran یا Aran یا Ardhan یا Al-Ran یا Aghvank یا Alvank یا Caucasian Albania نیز نوشته‌اند. "الف" آن با فتحه است و برخی "ر" را مشدد هم نوشته‌اند. در منابع دیگر آران نیز آورده‌اند.

بهتر بگوییم سرزمین آران ندانسته، سعی کرده‌اند زبان و گویش آنان را از زبان‌های بومی این نواحی به‌شمار نیاورند.

دکتر ذکاء در ادامه معتقد است که بعد از انقلاب بلشویکی، کمونیست‌ها نیز از همان سیاست پیروی کرده از [آراه‌های] به اصطلاح تاریخی و مطالعات اجتماعی، عالماً و عامداً گویش‌های تاتی را دنباله‌ی زبان آرانی که بیشتر مردم این نواحی در دوره‌ی ساسانی و صدر اسلام همگی بدان سخن می‌گفتند و تاریخ و جغرافی‌نویسان متفق و به صراحت از آن یاد کرده‌اند، ندانسته و سرنوشت جدایی برای آن تعیین کنند که البته یک انحراف عمدی و سیاسی بود که متأسفانه دانشمندان نیز فهمیده یا نفهمیده از آن پیروی کرده‌اند. بر مبنای این سیاست می‌نویسد: «از سده یازدهم میلادی آلبانیایی‌های قفقاز به‌عنوان یک ملت جداگانه از صحنه تاریخ محو شده‌اند؟» (ذکاء، ۱۳۹۷).

یحیی ذکاء نتیجه می‌گیرد که در صورتی که ما می‌دانیم آرانی‌های مسلمان، جذب تاتارها و غزاها گردیدند و همان‌هایی هستند که اکنون جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهند و مسیحیان‌شان نیز زبان و نژاد خود را باخته، جذب ارمنیان و گرجیان گردیدند و آنهایی که زبان‌شان را در کوهپایه‌ها نگاه داشتند، همین تات‌ها هستند که اکنون نیز می‌کوشند آنها را از صحنه‌ی قفقاز برانند. مسیحیان قره‌باغ هم آرانی‌هایی هستند که به اشتباه ارمنی شهرت یافته‌اند (ذکاء، ۱۳۹۷). وی نام‌های شاهان و امیران آرانی از خانواده مهرانیان را بررسی کرده است و نام همه پادشاهان را یک به یک آورده و نام همگی را برگرفته از دو ریشه ایرانی و پارسی و انجیلی می‌داند.^۱ وی آنگاه سراغ جاها و نام شهرها و آبادی‌ها رفته و از این طریق نیز ثابت می‌کند که بیشتر نام مناطقی که در آران قرار دارند «دارای معنا و نسبت روشن» با ایران است.

دکتر یحیی ذکاء نظر ارانسکی را درباره مهاجران ایرانی در زمان ساسانی به قفقاز را رد می‌کند و می‌گوید او گفته «ظاهراً» و یا «حدس زده می‌شود» و سند و مدرکی را نیز نیاورده است (ذکاء ۱۳۹۷). دکتر ذکاء معتقد است که تغییر زبان آرانی به ترکی پس از

^۱ - وی به ترتیب نام‌ها را اینگونه آورده است: مهر، ارمایل، ورد، وراز گریگوری، وراز پیروز، وراز تیرداد، نرسه، گاگیگ، استپانوس و خواهرش آپراسامین، آذر نرسه، شاهزاده خانم اسپرم، سوادان، گریگور، داوود، ایشخان، سنکریم، یوهانس پیداست که دسته‌ای از این نام‌ها، نام‌های مذهبی انجیلی و بقیه هم نام‌های کهن ایرانی است. همان.

تغییر مذهب آرانی‌ها از عیسویت به اسلام آغاز گردید. زیرا ترکان و غزها^۱ که اسلام پذیرفته و به میان مسلمانان راه یافته بودند، جنگ و جهاد را برای غارت‌ها و یغماهای دائمی خود، بهانه‌ی مشروعی یافته بودند و پی‌درپی به شهرها و روستاها ریخته پس از کشتار و سوختن کلیساها، بازماندگان را وادار به قبول اسلام کرده تحت انقیاد خود در می‌آوردند و از اینجا ناچار آرانی‌ها برای گذراندن زندگی خود، ترکی آموختند. اگرچه قطعاً ترکی هیچگاه زبان بومی این سرزمین‌ها نبوده بلکه بعدها به آنها تحمیل گردیده است. اصطخری و ابن حوقل و مقدسی در سده چهارم هجری همگی زبان عمومی مردم این سرزمین را آرانی می‌نویسند و هیچ ذکری از زبان ترکی در این نواحی به میان نمی‌آورند. تبدیل و تغییر زبان آرانی به ترکی، غزنی و تاتاری، تقریباً نظیر تغییر آذری به ترکی در آذربایگان است (ذکاء ۱۳۹۷).

هرودوت در کتاب خود از قومی آریایی به نام ماساگت^۲ که در شمال و آن‌سوی ارس می‌زیستند نام برده است که کوروش به قصد فتح آنجا اقدام می‌کند. هرودوت درباره زبان و ماهیت قومی ماساگت‌ها سخنی نگفته است اما تاریخ‌دانانی نظیر کاراسولاس، ویلکوکس و گرشوینچ ماساگت‌ها را قومی ایرانی خوانده‌اند (جوادی ۲۰۱۶، ۱۷۱). نام پادشاه آنها «تهم رئیس» و به‌خصوص پیشوند «تهم» مانند تهماسب، تهمتن احتمالاً به نسبت میان ماساگت‌ها و ایرانی بودن آنها اشاره دارد (جوادی ۲۰۱۶، ۱۷۱). اوستی‌ها که اکنون خود را آلانی و یا «ایرونی» می‌خوانند از بازماندگان اقوام کهن آریایی در شمال قفقاز هستند که دست‌کم از دوره هخامنشی در این سرزمین می‌زیسته‌اند.

مینورسکی می‌گوید که مردم اصلی اران گروه خاصی بودند که با هیچیک از همسایگان بزرگ خود پیوندی نداشتند. البته ایرانیان، به سبب نیاز به دفاع از مرزهای امپراطوری خود، از زمان‌های بس قدیم به این ناحیه هم رسوخ کردند. احتمالاً، ابتدا در دوره هخامنشیان برای بستن معابر قفقاز بر روی مهاجمان کارهایی صورت گرفت. اما

^۱ - غز یا اوغوز و یا اگوز یا غوز از مزدمان ترک هستند. آنها قومی ترک‌تبار و مسلمان بودند و در زمان سلطان سنجر پیشرفت کردند. آنها از قرن هشتم میلادی از سرزمین مغولستان به‌سوی غرب و دریای آرال و جنوب قزاقستان حرکت کردند. آنها کنفدراسیونی از نه قبیله را تشکیل دادند. در سنگ‌نبشته اورخون نام آنها آمده است. حملات آنها ویرانگر و همراه با کشتار به‌ویژه در سرزمین خراسان ایران بود که در شهر نیشابور خرد و بزرگ و اندیشمندان را از دم تیغ گذراندند.

^۲ - Massagetae.

خاطره مهمترین استحکامات آن ناحیه، یعنی دربند با نام شاهان ساسانی در روایات و اخبار همراه است (مینورسکی ۱۳۷۵، ۲۰). آلان‌ها که اقوامی ایرانی‌تبار شمالی بودند دست‌کم از سده نخست پیش از میلاد در قفقاز جنوبی زندگی می‌کردند. بریتانیکا حضور آنها را به سده نخست میلادی ذکر کرده است (بریتانیکا زیر نام آلان‌ها). ایرانی‌ها هم به حضور آنها در همین دوره و همزمان با دوران مسیحیت اشاره دارد (ایرانیکا زیر نام آلان‌ها).

دیمیتری کوروبو^۱ باستان‌شناس روسی از آکادمی علوم مسکو که ریاست حفاری‌های قفقاز شمالی در کیسلوودسک^۲ را برای مطالعه آثار آلان‌ها یا آلتانیا برعهده داشته است بر پایه نظر دو دانشمند یونانی بطلمیوس^۳ و سنکا^۴ بر این باور است که آلان‌ها اقوام باستانی ایرانی بودند که در سده نخست میلادی در قفقاز جنوبی زندگی می‌کردند (سو ۲۰۱۷).^۵

سیر تاریخی پیدایش واژه تات

درباره پیدایی و چرایی کاربرد واژه «تات» سخن‌ها بسیار رفته است و گفته‌ها گوناگون است. بیشتر زبان‌شناسان و تاریخ‌دانان واژه تات را واژه ترکی و به‌معنای غیر ترک و یا بیگانه آورده‌اند. بنابراین تا پیش از لشکرکشی و کوچ ترکان به این سرزمین چنین نامی مرسوم نبوده است و باشندگان این قلمرو را اقوام شمال ارس و غرب خزر (آسی-آران یا الوانک یا آلبانیا-سرمتی‌ها یا سکاها-کاسپی-خزر-ارمنی و ...) می‌دانستند.

نخستین و کهن‌ترین اثری که نام تات در آن ذکر شده است و به‌دست ما رسیده است، «سنگ نبشته اورخون»^۶ است. تات در این سنگ نبشته به‌معنای «اتباع» و

^۱-Dmitry Korobov.

^۲- Kislovodsk part of North Caucasus.

^۳-Ptolemy.

^۴-Seneca.

^۵- Su, M.

^۶- سنگ‌نبشته اورخون (Orkhon inscription) در دره اورخون در مغولستان و در تاریخ ۱۸۸۹ توسط نیکولای یادرینتسوف کشف شد که در واقع الفبای قدیمی است که درباره ترکی بودن و یا نبودن آن همچنان اتفاق نظر وجود ندارد. یک روایت آن است که گوک ترکان از خانات ترک است که در میانه سده‌های ۸ تا ۱۰ میلادی استفاده می‌شده است. ویلهم توماسن این خط را رمزگشایی